

جایگاه سازمان تعزیرات حکومتی در رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز در پرتو اصل تفکیک قوا

علی شهاب تالی^۱

چکیده

مشکلات اقتصادی به دلیل شرایط ویژه و حسب علل و عوامل مختلف، طی سال‌ها و ماه‌های اخیر در صدر مسائل جامعه قرار گرفته که قاچاق کالا و ارز از جمله این عوامل است. قاچاق نه تنها سبب بروز معضلات اقتصادی شده و آن را تشدید می‌کند، بلکه مشکلات فرهنگی، اجتماعی و امنیتی را نیز با خود به دنبال دارد. تبلور کلیه اقدامات مقابله‌ای با این پدیده اعم از کشف، همان تعقیب و تحقیق و به عبارتی رسیدگی صحیح، سریع و قاطع با پرونده‌های متشکله در مورد این گونه جرائم و تخلفات است. البته پیش از مقابله، پیشگیری باید مورد توجه ویژه قرار گیرد و رسیدگی قاطع و بازدارنده به پرونده‌های متشکله در ارتباط با تخلفات و جرائم قاچاق کالا و ارز - به ویژه قاچاق سازمان یافته و حرفه‌ای - هدف پیشگیری را به میزان قابل توجهی محقق می‌سازد. در عین حال چالش مهمی برای دستیابی به این هدف وجود دارد و آن، احراز سازمان یافتگی پرونده‌های قاچاق کالا و ارز است و اگر این احراز در هر پرونده‌ای صورت نگیرد؛ به استناد مفاد قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، سازمان تعزیرات حکومتی و نه دستگاه قضایی، به پرونده تحت عنوان «تخلف» رسیدگی می‌کند. با توجه به اینکه سازمان تعزیرات یک مرجع دولتی بوده و ذیل قوه مجریه تعریف شده، وضعیت ایجاد شده با اصل تفکیک قوا منافات دارد.

واژه‌های کلیدی: سازمان تعزیرات، قاچاق کالا و ارز، ارزش پرونده، کشف، تفکیک

قوا.

۱. کارشناس ارشد حقوق، پژوهشگر حوزه مبارزه با قاچاق کالا و ارز

فصل اول - کلیات

فساد به مثابه ویروسی به شدت مسری است که برای انتقال به جایگاه، مسئولیت و شخصیت توجهی ندارد. مهم ترین اقدامی که برای مقابله با ویروس می توان متصور شد، واکسیناسیون و پیشگیری است. یکی از مصادیق بارز فساد، قاچاق کالا و ارز است که نه تنها مردم و فعالان اقتصادی، بلکه کارگزاران و مسؤولان کشور در معرض ابتلا به آن هستند. حل این معضل، ضمن احقاق حقوق دولت، مشکلات بسیاری از جمله بیکاری و در پی آن مسائل فرهنگی و اجتماعی را کاهش خواهد داد. به همین علت از ابتدای دهه هفتاد شمسی با پایان یافتن جنگ تحمیلی و ورود کشور به عرصه سازندگی، مبارزه با این پدیده شوم به عنوان یکی از مؤلفه های اصلی اقتصاد پنهان، در صدر دغدغه های اصلی برخی مسؤولان کشور قرار گرفت و برنامه ریزی برای مقابله با آن در ابعاد مختلف آغاز شد. اما آن طور که باید، در واکسیناسیون و پیشگیری از این فساد برنامه ریزی و اقدام مناسب صورت نگرفت.

قاچاق کالا و ارز که به دو صورت خرد و کلان انجام می شود، دارای سرچشمه هایی است که ایجاد سد در مقابل این سرچشمه ها به مراتب آسان تر و مؤثرتر از جمع آوری آن در جوی های روان و آلودگی هایی است که در همه جا پراکنده شده است.

با این دیدگاه، مخاطب قانونگذار در قوانین مبارزه با قاچاق کالا و ارز، قاچاق سازمان یافته و حرفه ای و آلودگی های ناشی از آن است. همان گونه که تمام کارشناسان صاحب نظران و مسؤولان امر اذعان دارند که مبارزه با قاچاق باید به سمت دانه درشته ها حرکت کند و باید مقابله را به ریشه های این پدیده معطوف کنیم، لذا جایگاه مراجع رسیدگی به جرائم به عنوان غایت مبارزه، به طور ویژه اهمیت پیدا می کند. جایگاه قوه قضائیه با صلاحیت ذاتی اش کاملاً مشخص است. اما موضوع مورد بحث، جایگاه سازمان تعزیرات حکومتی است که با تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، نقش بیشتری را عهده دار شده است. بنابراین در این تحقیق سعی شده به این موضوع پرداخته شود.

گفتار اول - مفهوم قاچاق کالا و ارز

قاچاق در حالت کلی به کلیه تلاش ها و اقدامات غیرقانونی و مخفیانه ای اطلاق می شود

که با تبانی یا پنهان از دید مجریان قانون و غالباً با هدف ورود و خروج کالا صورت می‌گیرد. مستند به بند الف ماده (۱) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز؛ قاچاق کالا و ارز، هر فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد و بر اساس این قانون و یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد، اعم از اینکه کالا و ارز در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود. مقنن در این تعریف تلاش کرده تا تعریفی جامع را برای برخورد همه جانبه با قاچاق کالا و ارز ارائه دهد و بدین علت تک تک عبارات تعریف صدرالاشاره محل تأمل و بحث است. لکن مطابق رویکرد این تحقیق، از یک طرف مبادی ورودی را می‌توان به عنوان مصداق قاچاق سازمان یافته و جایگاه برخورد با ریشه‌ها و عوامل اصلی قاچاق دانست و محل عرضه را مصداق مقابله با قاچاق خرد عنوان کرد.^۱

گفتار دوم: نگاهی به برخورد با تخلفات اقتصادی پس از انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران که با شعارهایی از جمله مقابله با غارت بیت المال و مبارزه با مفاسد اقتصادی شکل گرفته بود، پس از پیروزی، درگیر مسائل متعددی مانند ناامنی و جنگ شد و این مسائل بیش از یک دهه به طول انجامید. البته در طول این دوران که فشار اقتصادی یکی از حربه‌های دشمنان انقلاب برای ضربه وارد کردن به آن بود، اقداماتی جسته و گریخته (برای مبارزه با مفاسد اقتصادی) انجام شد؛ اما این اقدامات به مثابه آزمون و خطاهایی بودند که نظام حاکم باید تجربه می‌کرد تا ضمن فائق آمدن نسبی بر مشکلات روز، به تدریج در مبارزه سیستماتیک با جرائم و تخلفات اقتصادی، ترقی کند.

بلافاصله از پیروزی انقلاب اسلامی با ایجاد بحران سیاسی که پس از تغییر حکومت قابل انتظار هم بود، شرایط سودجویی اقتصادی برای فرصت طلبان ایجاد شد که بیشتر به صورت خرد و در قالب واحدهای صنفی بود. پیش از انقلاب، اتاق اصناف بر واحدهای صنفی نظارت می‌کرد و بعد از انقلاب، خلاء ایجاد شده موجب شد تا سودجویان از وضعیت اقتصادی ناشی از تغییرات سیاسی نهایت بهره را ببرند. لذا ستادهای مبارزه با

۱. نگارنده تحقیق، مبارزه با قاچاق در مبادی ورودی را همراستا با مقابله با علت دانسته و متناظر با جرم انگاری مندرج در قانون مربوطه و مبارزه با قاچاق در سطح عرضه را در راستای مقابله با بخش‌هایی از پیکره معلول و متناظر با تخلف انگاری مندرج در قانون مورد نظر، می‌داند.

گرانفروشی ایجاد شد به دلیل عدم آشنایی با پیچیدگی‌های مسائل اقتصادی توفیق چندانی نیافتند. این عدم توفیق راه برای برخورد انقلابی با این تخلفات هموار کرد و از اوایل سال ۱۳۶۲ دادگاه‌ها و دادسراهای انقلاب وارد این کارزار شدند. توسعه این تخلفات و درگیری مراجع قضایی مذکور با جرائم متعدد به ویژه جرائم سیاسی و امنیتی که برخورد با آنها در آن زمان اولویت داشت؛ عملاً آنها را از پیشرفت در این مواجهه بازداشت. به نظر نگارنده تحقیق، این مشکل دقیقاً همان مشکلی است که تاکنون نیز در دادگستری‌ها در رابطه با جرائم قاچاق کالا و ارز، با آن مواجه هستیم؛ یعنی درگیری این مراجع با مسائل مهم دیگر که هر دوی این موارد در گذشته و امروز تقریباً یک نتیجه را در بر داشت و آن هم باز شدن پای تعزیرات را به این عرصه‌ها بود. توضیح اینکه در گذشته با شلوغی دادسراها و دادگاه‌های انقلاب اسلامی و عدم امکان رگی به تخلفات اقتصادی در این مراجع به خاطر مسائل مهم تر، تعزیرات به وجود آمد و امروز به همین علت، تعزیرات به مرجع اصلی رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز مبدل شده است.

در سال ۱۳۶۷ با مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام تحت عنوان «قانون تعزیرات حکومتی»، دادسراهای ویژه که به حق موفقیت‌های چشمگیری در بهبود وضعیت آشفته بازار در مراکز استان‌ها داشتند، منحل گردیدند. در این دوره با دلیل ضعف قانون مذکور و جامع نبودن آن از یک سو و عدم توجه مراجع قضایی انقلاب که صالح به رسیدگی بودند از سوی دیگر، همچنان و معیت نامطلوب بازار ادامه یافت و درموردی هم که متخلف در چنگ قانون گرفتار می‌شد، حکم مقرر در قانون تعزیرات حکومتی آن چنان خفیف بود که اعمال آن نه تنها بازدارنده نبود، بلکه موجب تجری مجرمین می‌شد. وضع مجازات‌هایی همچون اخذ تعهد، توبیخ و اخطار در مقابل تخلفات حساس باعث شد که مسئولین رسیدگی‌کننده به پرونده‌ها رغبتی چندان به این قبیل پرونده نداشتند و در امور مربوط به بهداشت، دارو و درمان گرچه با وضع این قانون، مقررات جدیدی اعمال نگردید، ولی در این خصوص نیز مجازات‌ها بسیار خفیف و مصوبات ناقص بود. این عوامل دست به دست هم داده و باعث شدند هرج و مرج و نابسامانی در بازار استمرار یافته و تشدید شود و از طرفی مردم که از بی‌رنگ بودن قانون و عدم اعمال مجازات‌های شدید نسبت به متخلفین از وضعیت موجود حاکم بر بازار دل‌سرد شده بودند، رغبتی به اعلام شکایت و یا

گزارش تخلفات تخلفین به مراجع نداشتند.^۱

سؤال اساسی این تحقیق به شرح زیر است:

اکنون که تعزیرات که مهم‌ترین وظیفه ذاتی‌اش مبارزه با گران‌فروشی و تنظیم بازار بوده و بازار با چنین وضعیت آشفته‌ای مواجه است، آیا این سازمان با درگیر شدن در معضل چند وجهی قاچاق می‌تواند روی وظیفه اصلی خود تمرکز کرده و بازار را سامان بخشد؟ یا اینکه با پرداختن به موضوعاتی غیر از تنظیم بازار و گرانفروشی مثل قاچاق عرصه را برای متخلفان باز کرده و این وضعیت را هر روز تشدید می‌کند؟

گفتار سوم - ضرورت مبارزه با قاچاق کالا و ارز

مبارزه با تخلفات و جرائم اقتصادی پدیده‌ای نو ظهور نبوده و از صدر اسلام به خصوص در زمان امیر المومنین تحت عناوین و تعبیر مختلف در حکومت‌های اسلامی وجود داشته و در سایر نظام‌های حقوقی شناخته شده‌ی دنیا نیز متناسب با تشکیلات قضایی و اجرایی جایگاه خاصی داشته و دارد. اما همانطور که اشاره شد مبارزه با تخلفات اقتصادی و به ویژه قاچاق به معنای یکی از مصادیق فساد و اقتصاد پنهان، از ابتدای دهه ۷۰ شمسی پایه ریزی شد.

مواجه شدن با قاچاق کالا و ارز به عنوان یک پدیده چند وجهی که از ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... برخوردار است، نیازمند مقابله چند وجهی نیز می‌باشد. از این رو برنامه‌ریزی در این حوزه در دو بخش پیشگیری و مقابله، سازماندهی شد؛ با این رویکرد که مبارزه قاطع، خود می‌تواند بخشی از پیشگیری نیز باشد.

با فارغ شدن کشور از جنگ، مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز در تاریخ ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ با تصویب دو قانون با عناوین قانون تعزیرات حکومتی و قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی-درمانی، رسیدگی به تخلفات بخش غیر دولتی را به محاکم انقلاب اسلامی و دولتی را به کمیسیون‌های تحت نظارت وزارت کشور محول کرد.

این امر تا سال ۱۳۷۳ ادامه پیدا کرد؛ اما با توجه به ضرورت کنترل دولت بر امور اقتصادی و لزوم هماهنگی مراجع قیمت‌گذاری و توزیع کالا و خدمات و اجرای مقررات و

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان تعزیرات حکومتی

ضوابط مربوط به آن، با تصویب ماده واحده قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۳/۰۷/۱۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام، کلیه امور تعزیرات حکومتی بخش دولتی و غیر دولتی، اعم از بازرسی و نظارت، رسیدگی و صدور حکم قطعی و اجرای آن به دولت (قوه مجریه) محول شد تا بر اساس قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷/۱۱/۲۳ اقدام کنند که این موضوع تاکنون نیز ادامه دارد.

اما موضوع قاچاق همچنان به عنوان یک مسئله مهم، بیش از گذشته رخ نمایی می‌کرد تا اینکه مجمع تشخیص مصلحت نظام کمتر از یک سال بعد از تصویب قانون تعزیرات حکومتی، این بار با تصویب قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز در تاریخ ۱۳۷۴/۰۲/۱۲ گامی موثر در این مبارزه برداشت. این قانون اگرچه اولین قانون در این رابطه نبود؛ چرا که از سال ۱۳۱۲ قوانین متعددی مثل، قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲/۱۲/۲۹ یا قانون جلوگیری از عمل قاچاق توسط وسایل نقلیه موتوری دریایی مصوب ۱۳۳۶/۰۸/۰۹ وجود داشت؛ اما قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز اولین قانون متمرکز در این زمینه بود و محاسن و معایبی داشت که حین اجرا نمایان شد.

از جمله محاسن قانون یاد شده می‌توان به نظارت دستگاه قضایی بر آراء صادره توسط شعب تعزیرات حکومتی اشاره کرد؛ به این صورت که آراء تعزیرات در دیوان عدالت اداری قابل تجدیدنظر خواهی بود. به عبارتی می‌توان گفت که این مکانیزم بر اصل ۵۷ قانون اساسی و اصل تفکیک قوا صحنه می‌گذاشت.

از سوی دیگر معایبی هم که متوجه قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز بود، در تناقض با اصل یاد شده از قانون اساسی بود؛ توضیح اینکه سازمان تعزیرات به عنوان مرجع رسیدگی به تخلفات، اگرچه در این قانون صلاحیت ثانویه بعد از دستگاه قضا داشت، اما با این صلاحیت ثانویه، اقدام به اعمال محکومیت‌های کیفری می‌نمود و این تفکیک برای جرم و تخلف ایجاد نشده بود.^۱

۱. حسب تبصره ۲ ماده ۴ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی، «در صورت عدم رسیدگی یا تطویل دادرسی و عدم تعیین تکلیف قطعی پرونده در مدت یک ماه، سازمان تعزیرات حکومتی، موضوع ماده واحده قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۷۳/۷/۱۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام ... با درخواست سازمان شاکی می‌تواند پرونده را از محاکم قضایی یا سازمان شاکی مطالبه و طبق جرایم و مجازات‌های مقرر در قوانین مربوط و این قانون اقدام نماید»؛ بنابراین رسیدگی به تخلفات مربوط به قاچاق کالا و ارز، در درجه

با وجود اینکه قانون مزبور نسبت به قوانین قبلی کاملتر بود، اما همه کالاها از جمله کالاهای ممنوعه را پوشش نمی داد و هنوز نوعی پراکندگی در قوانین برای قضات رسیدگی کننده به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز وجود داشت و تفکیک مشخصی در رسیدگی به پرونده‌ها بین سازمان تعزیرات و دستگاه قضایی قائل نشده بود.

با جدی‌تر شدن معضل قاچاق، مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۱ فرمان تأسیس ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز را با عضویت کلیه دستگاه‌های دخیل در امر مبارزه از جمله قوه قضائیه و سازمان تعزیرات حکومتی به ریاست رئیس جمهور یا نماینده ویژه وی صادر فرمودند.^۱ این ستاد نیز به منظور ایجاد یک مکانیزم دقیق برای مبارزه با قاچاق کالا و ارز که به تدریج پیچیده تر می شد، از اواخر دهه ۸۰ شمسی اقدام به تدوین لایحه مبارزه با قاچاق کالا و ارز و تقدیم آن به مجلس شورای اسلامی نمود و در نهایت مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۰۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز به تصویب رسیده و دو ماه بعد، مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۰ با تأیید شورای نگهبان، لازم الاجرا شد.

قانون اخیر مبارزه با قاچاق کالا و ارز پس از اصلاحات مورخ ۱۳۹۴/۰۷/۲۱ و اصلاحات و الحاقات ۱۴۰۰/۱۱/۱۰، آخرین و کامل‌ترین مبنای مبارزه با پدیده قاچاق کالا و ارز در کشور است.

گفتار چهارم - قوا بن حاکم بر قاچاق کالا و ارز

در گفتار قبل عنوان شد که تا قبل از سال ۱۳۹۲، قانون اصلی حاکم بر پدیده مبارزه با قاچاق کالا و ارز، قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴ بود. اما در حال حاضر مهم ترین قانون حاکم، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ است. همگام با قانون قاچاق کالا و ارز، قانون جدیدالتصویب امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰، قانون مقررات صادرات و واردات ۱۳۶۶، قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲ و قانون تشکیل و اداره مناطق ویژه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴، از جمله قوانین ذیل پدیده قاچاق کالا و

اول بر عهده محاکم و مراجع قضایی بود و تنها در مناطقی که محاکم قضایی (دادگاه‌های انقلاب یا عمومی) وجود نداشت و تا زمان ایجاد تشکیلات قضایی، سازمان تعزیرات حکومتی بر اساس قوانین مربوط، مجاز به رسیدگی به پرونده‌ها بود.

۱. فرمان رهبر معظم انقلاب خطاب به رئیس جمهور وقت راجع به قاچاق کالا و ارز مورخ ۱۳۸۱/۰۴/۱۲

ارز هستند. اما تأکید می‌شود که قانون اصلی و تخصصی حاکم بر موضوع مذکور، همان قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ است. این قانون در سال ۱۳۹۴ پس از دو سال با اصلاحاتی در مجلس شورای اسلامی مواجه شد و با توجه به اهمیت موضوع چندی بعد با آشکار شدن سایر اشکالات قانون بر اثر اجراء لایحه‌ای از سوی دولت برای اصلاح این قانون تدوین و تقدیم مجلس شد. لایحه در کمیسیون اقتصادی با حضور نمایندگان دولت مورد بحث و بررسی قرار گرفت و در اواسط سال ۱۳۹۷ در صحن علنی مطرح شد. پس از طرح لایحه در صحن علنی و تصویب موادی از لایحه، قوه قضائیه اعلام کرد که لایحه ماهیت قضایی دارد و لازم است نظرات این قوه در آن اعمال شود. لذا بررسی لایحه مبارزه با قاچاق کالا و ارز در صحن علنی مجلس متوقف و به قوه قضائیه ارسال شد. در دی ماه ۱۳۹۷ لایحه مراحل نهایی بررسی در دستگاه قضایی را گذراند. متعاقباً پس از چند مرحله بحث و بررسی در کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی و اعمال نظرات اصلاحی شورای نگهبان، اصلاحات و الحاقات جدید قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، در دهم بهمن ماه ۱۴۰۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

گفتار پنجم - اصل تفکیک قوا به‌عنوان یکی از مبانی حقوق عمومی

موضوع تقسیم قدرت که همواره به عنوان یکی از مباحث اصلی در حقوق اساسی مطرح بوده، موجب بروز نظریات مختلفی از جمله تفکیک قوا شده است. در این نظریه اصل بر تفکیک فعالیتهای قوای حکومتی به گونه ای است که تداخل در کار آنها ایجاد نشود. به عبارت دیگر اصل تفکیک قوا در حوزه صلاحیتهای قوای حکومتی و انفکاک قدرت حکومت بین آنها شکل می‌گیرد.

تفکیک عینی قوا را این گونه می‌توان تبیین کرد: قوه مجریه امور اجرایی کشور را عهده دار است، قوه قضائیه به امر قضا و استقرار نظم و عدالت می‌پردازد و قوه مقننه صرفاً در حوزه تقنینی و لوازم آن فعالیت می‌نماید. بنابراین هیچ یک مجاز به خروج از حدود صلاحیتهای خود و دخالت در وظایف دیگری نیستند. فلسفه وجودی اصل تفکیک قوا، جلوگیری از استبداد و قدرت گرفتن اصل حکومت به نمایندگی از مردم است. این اصل ابتدا در غرب مطرح شد و بر نظام‌های سیاسی تأثیر اساسی گذاشت، سپس در پی آشنایی دولتمردان و نخبگان کشورهای اسلامی با آن، این نظریه در این کشورها نیز مطرح شد که به مباحثات نظری و اقداماتی در جهت تغییر ساختار حکومت‌ها، منجر شد.

برای اینکه تفکیک قوا با مفهوم «تخطی نکردن قوا از صلاحیت‌ها» را درک کنیم، لازم است برای صلاحیت، شاخصه‌های شکلی و ماهوی در نظر بگیریم. بر اساس شاخصه‌های شکلی، هر عملی که از هر نهادی صادر شود، فارغ از موضوع و محتوا در صلاحیت آن نهاد است و در موارد مشترک و مورد ابهام، هر قوه‌ای که در انجام عملی از دیگری پیشی بگیرد، صالح خواهد بود. لذا این شاخص، اصلاً مناسب به نظر نمی‌رسد. اما شاخص ماهوی دقیقاً در نقطه مخالف شاخص شکلی بوده و در اینجا مهم، ماهیت یا عمل تصمیم‌گذار شده است؛ به گونه‌ای که مثلاً اگر ماهیت عمل اجرایی باشد، در صلاحیت نهاد اجرایی و یا اگر در زمره امور تقنینی باشد، در صلاحیت قوه مقننه است.^۱

پس از اینکه انسان به اجتماع روی آورد، برای تأمین نظم و امنیت و ارائه خدمات حکومت را به وجود آورد، فلاسفه تلاش کردند با ارائه مدل مختلف حکومت، از تداخل کارها و هم‌چنین دخالت هر یک از مسئولان جامعه در کار دیگری پیشگیری کنند. این دیدگاه، نطفه تئوری تفکیک قوا را منعقد کرد. برخی بر این باورند که اصل تفکیک قوا به شیوه کنونی، دستاورد نظریه‌های منتسکیو است.

افلاطون در کتاب قوانین، گروه‌های جداگانه‌ای را برای وضع قانون و پاسداری از آن، امور لشکری و اداره شهر (انجمن شهر) و دادرسی معین کرده اما تفکیک این امور در نظر او صورتی مقدماتی داشته است؛ مثلاً، دادرسان را متصدیان امور دولتی از میان خودشان انتخاب می‌کنند که در هم آمیختن قوه مجریه و قضائیه است یا پاسداران قانون - که وضع قانون و نظارت بر اجرای آن را بر عهده دارند - می‌توانند دادرسان را محاکمه کنند. ارسطو در کتاب سیاست بیان کرده است که هر حکومت دارای سه قدرت است: قدرت اول از آن هیئتی است که کارش بحث و مشورت درباره مصالح عام است، دومین قدرت به فرمانروایان و حدود صلاحیت و شیوه انتخاب آن‌ها مربوط می‌شود و سومین قدرت کارهای دادرسی را در بر می‌گیرد.^۲

مونتسکیو در سده هجدهم، نظریه تفکیک کامل قوای مقننه و مجریه و قضائیه را مطرح کرد. وی معتقد بود در هر کشوری که همه قوا زیر نظر یک تن باشد، آزادی تحقق

۱. فطبی، میلاد، حبیب زاده، توکل، تحلیل جایگاه نهادهای اجرایی فراقوه‌ای مصوب مجلس در نظام جمهوری اسلامی ایران و چارچوب اصل استقلال قوا، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴، صفحه ۶

۲. اشرفی، مرتضی، تفکیک قوا، بانک مقالات پژوهشکده باقرالعلوم، ۱۳۹۳

نمی‌یابد؛ از این رو، بهترین راه حفظ حکومت و جلوگیری از حاکمیت یک فرد یا یک گروه، آن است که در نظام سیاسی میان قوای حکومت موازنه برقرار شود تا هر قوه بتواند بر قوای دیگر نظارت کند. بنابراین، باید در هر حکومت سه قوه وجود داشته باشد: مقننه و مجریه و قضائیه. اگر قوای مقننه و مجریه در هم ادغام شوند و در اختیار یک شخص یا یک گروه قرار گیرند و نیز اگر قوه قضائیه از قوای مقننه و مجریه جدا نباشد، آزادی ناممکن می‌گردد. چنانچه قوه قضائیه به قوه مقننه بپیوندد، زندگی و آزادی در معرض نظارت خودسرانه قرار خواهد گرفت، زیرا در این وضع، قاضی قانونگذار هم هست. اگر قوه قضائیه به قوه مجریه ملحق شود، ممکن است قاضی به عنوان مجری حکم، شدت عمل نشان دهد و به حق افراد تجاوز کند. همچنین نباید هر سه قوه در اختیار یک فرد یا یک هیئت قرار بگیرد. اصل تفکیک قوا، تحت تأثیر نظریه منتسکیو، نخستین بار در ۱۲۰۱/۱۷۸۷ در قانون اساسی ایالات متحده آمریکا وارد شد و طبق آن، قوه مجریه به رئیس جمهور و قوه مقننه به مجلس نمایندگان (کنگره) واگذار گردید. پس از انقلاب فرانسه (۱۲۰۳/۱۷۸۹) و به پیروی از قانون اساسی آمریکا، اصل تفکیک قوا در قانون اساسی فرانسه به رسمیت شناخته شد و از آن‌جا به دیگر کشورهایی که از الگوی قانونی این کشور پیروی می‌کردند، راه یافت.^۱

در مورد شیوه تفکیک قوا دو نظر عمده وجود دارد: گروهی با اعتقاد به تفکیک مطلق قوا بر این باورند که هر یک از قوای سه‌گانه باید دارای وظایف مشخصی باشند و سازمانهای مسئول آن‌ها نباید از حدود وظایف و اختیارات قانونی خود فراتر روند و در کار قوای دیگر مداخله کنند. گروهی دیگر با اعتقاد به تفکیک نسبی قوا چنین استدلال می‌کنند که چون قدرت سیاسی و حاکمیت یکی است، مظاهر گوناگون اعمال این قدرت باید با هم تعامل داشته باشند تا کارها سامان یابد.^۲

در تبیین اصول تفکیک و استقلال قوا، موضوعی که بسیار اهمیت دارد این است که؛ تعیین حد دقیق و روشن میان اعمال اجرایی صرف و اعمال تقنینی صرف، امکان ندارد و چون هر سه قوه از واقعیتی یگانه (اعمال حاکمیت ملی) حکایت دارند، هر یک از ارکان سه‌گانه جز در مسیر تکمیل وظایف دیگری نمی‌تواند گام بر دارد. بنابراین تفکیک قوا

۱. همان

۲. قاضی، ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، ۱۳۸۴

به صورت مطلق مطلوب نیست و امری نسبی می باشد که به همکاری قوا می انجامد. دستگاه‌های قوا به یکدیگر وابسته‌اند و در عین تمایز و تفکیک باید پاسخگو و مسئول دستگاهی باشند که از آن ناشی شده‌اند.

همان گونه که اشاره شد، فلسفه اصلی نظریه تفکیک قوا بر کنترل قدرت دولت بوده است. منتسکیو در کتاب روح القوانین پس از بیان این امر که جمع شدن قدرت تقنینی، اجرایی و قضایی در اختیار یک فرد یا یک دستگاه خاص ممکن است به خودکامگی بینجامد، تأکید می کند «پس برای آن که نتوان از قدرت سوءاستفاده کرد، باید دستگاه‌های دولتی طوری تنظیم شوند که قدرت، قدرت را متوقف کند».

از اصل تفکیک قوا در قانون اساسی جمهوری اسلامی با عنوان «استقلال قوا» یاد شده است. این قانون در فصل پنجم خود تحت عنوان «حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن» پس از تأکید اصل پنجاه و ششم بر این که «حق حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است، هیچ کس نمی تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروه خاص قرار دهد و ملت این حق خدادادی را از طرقی که در اصول بعدی می آید اعمال می کند». اصل پنجاه و هفتم تصریح می کند که «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند». همچنین قانون اساسی در اصول پنجاه و هشتم، پنجاه و نهم، شصتم و شصت و یکم، نحوه اعمال این قوا را مشخص کرده است. نظام حکومتی جمهوری اسلامی ایران که براساس همین نظریه و از سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه تشکیل شده است، اما فرقی که نظام تفکیک قوا در ایران با سایر کشورها دارد، وجود نهادی ویژه به نام نهاد رهبری است که در هیچ یک از کشورهای دیگر به این شکل وجود ندارد.^۱

در خصوص استقلال قوا باید گفت که استقلال قوا به مثابه تفکیک قوا به نحو مطلق نیست و یک امر نسبی است. هر قوه هر اقدامی در راستای منافع و مصالح جامعه، بدون ملاحظه قوای دیگر انجام می دهد؛ اما منظور از استقلال بدین معنا نیست که هیچ تعاملی

۱. صباغیان، علی، تفکیک قوا چیست؟، روزنامه همشهری، چهارشنبه ۳۰ خرداد ۱۳۸۶

بین قوا وجود نداشته باشد و تعامل با قوای دیگر، از جمله وظایف حاکمیتی قواست. به نظر نگارنده می‌توان گفت که قوای مقننه و مجریه که با رای مستقیم مردم تشکیل و هدایت می‌شوند، تجلی جمهوریّت حکومت ایران و قوه قضائیه که ریاست آن توسط ولی فقیه تعیین می‌شود تجلی اسلامیت آن است؛ چرا که قضات هم که امر قضاوت را عهده دار هستند، ابلاغ قضایی را از رئیس قوه قضائیه که منصوب مقام رهبری است دریافت می‌کنند. ولایت فقیه در جمهوری اسلامی که برگرفته از آیات قرآنی و روایات وارده در این باب و استمرار حکومت امامان معصوم(ع) است، نقش هدایت و کنترل قوا را در این نظام بر عهده دارد. با وجود اینکه عده ا معتقدند که با وجود ولی فقیه و رهبر، تفکیک و استقلال قوا ممکن نبوده و با اختلالاتی مواجه خواهد شد، اما بررسی تمامی ابعاد این موضوع و تجربیات به دست آمده در این رابطه نشان می‌دهد که با وجود رهبری و ولی فقیه، نه تنها تفکیک و استقلال قوا دچار اختلال نخواهد شد، بلکه با هدایت و ایجاد هماهنگی میان قوا توسط مقام رهبری، ضمن افزایش کارایی، از اختلاف قوا نیز تا حد چشمگیری کاسته خواهد شد.

فرمان رهبر معظم انقلاب در رابطه با قاچاق، مصداق امر مزبور است. گسترش پدیده قاچاق و افزایش اثرات مخرب آن بر امر تولید و تجارت قانونی سبب شد تا ایشان این فرمان را صادر کنند. ایشان در این فرمان بر تشکیل ستادی به عنوان ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز تأکید کردند که رهس آن می‌بایست در سطح عالی و نزدیکترین افراد به رئیس جمهور باشد. ایشان از سوی دیگر همکاری همه جانبه قوه قضائیه و نیروهای نظامی و انتظامی را در این مبارزه ضروری دانسته‌اند.

مسئله اساسی در حوزه اصل تفکیک قوا در این تحقیق، ورود در امر قضایی توسط قوای مجریه و مقننه است. سازمان تعزیرات حکومتی که نماد عینی قوه مجریه است، با رسیدگی به پرونده های قاچاق کالا و ارز مباحثی در پرتو اصل تفکیک قوا مطرح و به نظر نگارنده تحقیق حتی می‌توان گفت در برخی از پرونده ها این اصل را نقض می‌نماید که در سایر بخش‌های تحقیق، به اثبات این ادعا خواهیم پرداخت.

فصل دوم - تفکیک جرم و تخلف

جرم در فقه اسلامی و با استنباط از قرآن کریم، عبارت از هر گونه فعل یا ترک فعل که شارع مقدس آن را منع کرده و برای آن کیفر قرار داده است. به عبارت دیگر، جرم یا گناه را می توان به مخالفت با اوامر و نواهی شارع مقدس تعبیر کرد. در قانون مجازات اسلامی مصوب تعریف قانونگذار در ماده ۲ این قانون از جرم به عنوان هر فعل یا ترک فعلی که قانون برای آن مجازات تعیین کرده باشد، است. این قانون همان طور که از نامش پیداست، مطابق اصول فقه اسلامی تدوین شده و برگرفته از منابع شرعی فقه شیعه است. لذا جرم در قانون حکومت اسلامی را می توان به گناه تعبیر کرد. اما تخلف مرتبه پایین تر از جرم است و در اغلب موارد فاقد تصریح قانونی همانند جرم است. تخلف در بسیاری از مواقع در مقررات و قوانین به طور صریح پیش بینی نشده است که امر این اختلاف اساسی جرم با تخلف را نشان می دهد. در برخی موارد هم وجوه تشابهی میان این دو وجود دارد و ممکن است یک عمل واحد، منشا تخلف و جرم باشد؛ مانند اختلاس یا قاچاق کالا که هم جرم است هم تخلف، یا اینکه برای هر دو مجازات هایی مقرر شده است. نویسنده معتقد است که شاید بتوان از لحاظ اخلاقی از جرم به عنوان گناه کبیره و از تخلف به عنوان مرتبه ای پایین تر و در بیشتر موارد گناه صغیره تعبیر کرد.

گفتار اول - ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز موضوع ماده ۳ قانون

بر اساس قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز از ۲۴ دستگاه در قوای سه گانه تشکیل شده بود که دو مرجع رسیدگی کننده یعنی سازمان تعزیرات حکومتی و قوه قضائیه در آن عضو بودند. در اصلاحات و الحاقات این قانون در سال ۱۴۰۰، با تجربیات حاصل از اجرای چند سال قانون ۱۳۹۲، تعداد ۹ دستگاه دیگر به اعضای اصلی ستاد اضافه شدند و صرفاً یک دستگاه (معاونت پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه) از جمع اعضای اصلی ستاد حذف شد؛ اما همچنان عضویت دو مرجع رسیدگی کننده یادشده در قانون ۱۴۰۰ نیز تثبیت شد و کلیات رسیدگی به جرم و تخلف که در ادامه به آن خواهیم پرداخت، تغییری نکرد. در اشاره ای کوتاه باید گفت که رسیدگی به تخلفات قاچاق در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی به عنوان یکی از دستگاه های ذیل قوه مجریه و رسیدگی به جرائم قاچاق در صلاحیت دادرسی و دادگاه انقلاب اسلامی که ذیل قوه قضائیه هستند، است.

گفتار دوم - ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز

نقطه عطف صلاحیت‌ها در پرونده های قاچاق کالا و ارز ماده ۴۴ قانون است. طبق این ماده، سازمان تعزیرات حکومتی به عنوان یک نهاد اداری، مرجع رسیدگی به تخلف قاچاق است نه جرم قاچاق. در این ماده صراحتاً عنوان شده که رسیدگی به جرائم قاچاق سازمان یافته و حرفه‌ای در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب اسلامی. مسئله اینجاست که با توجه جرائم متعددی که دستگاه‌های کاشف و مراجع رسیدگی درگیر آن هستند، احراز سازمان یافتگی پرونده‌های مهم قاچاق کالا و ارز امری دشوار است. لذا بسیاری از پرونده‌های قاچاق حرفه‌ای و سازمان یافته در تعزیرات رسیدگی می‌شود نه دستگاه قضایی که این خلاف ماده یاد شده است. به عبارت دیگر باید اذعان داشته باشیم که این رویداد خلاف اصل تفکیک قواست.

موردی که در بند قبل اشاره شد (رسیدگی به قاچاق سازمان یافته و حرفه‌ای توسط تعزیرات)، موجب نقض ماده ۳۱ قانون نیز می‌شود؛ توضیح اینکه در بسیاری اوقات قاچاق سازمان یافته، منبع تأمین مالی تروریسم و گروه‌های معاند است که رسیدگی به این جرائم گروه‌ها در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است.

با توجه به اینکه قضات سازمان تعزیرات کارمندان دولت هستند و حتی در پاره‌ای موارد کارمندان پیمانی هستند. لذا از مصونیت‌های قضات دستگاه قضایی برخوردار نبوده و گاهی اوقات، مصونیت‌های شغلی لازم را نیز ندارند. با این وجود می‌بایست به پرونده های قاچاق کالا و ارز که در بسیاری از موارد ارزش آنها میلیاردها تومان است، رسیدگی نمایند. البته این مسئله به نوعی در ماده ۴۹ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز لحاظ شده است، اما این مشکل به قدری عمیق است که این تدبیر نیز چندان کمکی به رفع آن نمی‌کند.

البته طرفداران روانه شدن پرونده های قاچاق کالا و ارز به سازمان تعزیرات حکومتی، مواجه بودن دستگاه قضایی با جرائم و پرونده های متعدد و متمرکز بودن سازمان تعزیرات را به عنوان یکی از دلایل نظریه خود عنوان می‌کنند. آنان معتقدند که این سازمان به طور کلی با تخلفات صنفی و گران‌فروشی از یک سو و از سوی دیگر با قاچاق کالا و ارز مواجه بوده و می‌تواند تمرکز بیشتری بر قاچاق کالا و ارز داشته باشد. در حالی که قوه قضائیه اولویت‌های بسیار دیگری دارد و نمی‌تواند آن طور که باید بر قاچاق متمرکز شود. مسؤولین

این سازمان نیز همواره در تلاش هستند تا تعریف تخلف را در مورد قاچاق وسعت داده و یکی از پایه‌های فعالیت خود را احکام بخشند. آن‌ها با محدود شدن دایره تعریف قاچاق، موجودیت سازمان شان را در خطر می‌بینند. به نظر نگارنده بهتر است که تعزیرات از مسؤولیت‌های این چنینی خود کاسته تا بتوانند به وظیفه اصلی خود- که همان کنترل و تنظیم بازار است- بپردازند؛ چرا که خلأهای بسیاری در این بخش در کشور وجود دارد و این بدان معناست که سازمان تعزیرات حکومتی نتوانسته به طور شایسته به وظیفه اصلی خود عمل کند.

سالانه حدود ۵۰ هزار پرونده قاچاق کالا و ارز در سازمان تعزیرات حکومتی رسیدگی می‌شود که اغلب این پرونده‌ها را تخلفات خرد (کمتر از ۱۰ میلیون تومان) تشکیل می‌دهند.^۱

گفتار سوم- آیین افتراقی مبارزه با قاچاق کالا و ارز و مبنا و علل آن

اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها مطابق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، هر فعل یا ترک فعلی که قانون برای آن مجازات تعیین کرده باشد، جرم تلقی می‌شود. تنها عملی را می‌توان جرم دانست که قانون آن را جرم دانسته و برای آن مجازات تعیین کند. اما تخلف، تصریح قانونی همانند جرم را نداشته و تخلف از مقررات و قوانین به طور صریح در رابطه با آن، پیش بینی نشده است که این حاکی از اختلاف اساسی جرم با تخلف است. اما در برخی موارد وجوه تشابه میان این دو وجود دارد و ممکن است یک عمل واحد، هم منشا تخلف و هم جرم باشد؛ مانند اختلاس که هم جرم است و هم تخلف، یا اینکه برای هر دو مجازات‌های مقرر شده است. با وجود این در برخی موارد، تفاوت‌های زیادی بین حقوق جزا و مقررات انضباطی وجود دارد. تخلف بیشتر در حوزه حقوق اداری و صنفی مصداق دارد که همان تخلفات اداری و انضباطی است.

وجود نظام‌های مختلف اقتصادی سبب شده تا اعمال مخل سیاست‌ها و فعالیت‌های اقتصادی به فراخور زمانها و مکان‌های مختلف، واکنش اجتماعی متفاوتی را در پی داشته

۱. طبق آمارهای رسمی اعلام شده از سوی گمرک و سازمان تعزیرات حکومتی در تقسیم پرونده‌های قاچاق از نظر ارزش، بیش‌ترین حجم این پرونده‌ها را پرونده‌های تا ۱۰۰ میلیون تومان تشکیل می‌دهند. ارزش پرونده‌ها با سازمان یافتگی آن‌ها ارتباط مستقیم دارد؛ هرچه بر ارزش پرونده‌های متشکله افزوده شود، احتمال سازمان‌یافتگی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد.

باشد. این چندگانگی در عرصه اقتصاد و واکنش‌های اجتماعی، ارائه تعریف از جرم اقتصادی را دشوار می‌سازد. از سوی دیگر ارائه تعریف، حصر مصادیق و به تبع آن محدودیت واکنش و دشواری در حصول اهداف پیشگیرانه قانونگذار را موجب می‌شود. لذا به جای تعریف، تبیین معیارها و ضوابط می‌تواند راهگشا باشد. از این رو دو ضابطه جرم‌شناختی و اقتصادی مورد بررسی واقع شده که بنا بر ضابطه جرم شناختی، انگیزه مرتکب، آثار رفتار وی و محیط ارتكابی جرم به شناخت جرم اقتصادی کمک می‌کند و مطابق با ضابطه اقتصادی، اخلال در سیاست‌های کلان اقتصادی دولت (پولی، مالی و درآمدی) و فعالیت شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی و نظام تولید، توزیع و مصرف، چهره دیگری از جرم اقتصادی را نمایان می‌سازد. به این ترتیب در پرتو ضابطه اقتصادی و با ملاحظه ضابطه جرم شناختی، بهتر می‌توانیم به شناسایی جرم بپردازیم.^۱

گفتار چهارم - نظارت قضایی بر آراء صادره از شعب تعزیرات حکومتی

پیش از تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ و در زمان حاکمیت قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز، طبق ماده ۴ قانون معنونه^۲، مراجع قضایی مکلف بودند ظرف مدت یک‌ماه نسبت به پرونده‌های موضوع این قانون تعیین تکلیف کنند و در غیر این صورت مستند به تبصره ۲ همین ماده^۳ با تطویل زمان دادرسی، سازمان تعزیرات حکومتی می‌توانست پرونده را از مرجع قضایی مطالبه نماید. با نگاهی به این موضوع در می‌یابیم که به نوعی اصل تفکیک قوا مد نظر مقنن قرار گرفته بود. از سوی دیگر بنا بر قانون، آراء قطعی صادره توسط شعب تعزیرات حکومتی قابل تجدیدنظر در دیوان عدالت اداری بوده و این امر نظارت قضایی را محقق می‌ساخت. به عبارت دیگر می‌توان با این تدابیر نظارت دو سویه توسط قوای مجریه و قضائیه در پرونده‌های قاچاق کالا و ارز نه به طور کامل اما تا حدودی قابل قبولی اعمال می‌شد.

۱. میرسعیدی، سید منصور، زمانی، محمود، جرم اقتصادی؛ تعریف یا ضابطه؟، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری

۲. ماده ۴ - مراجع قضائی مکلفند پس از دریافت شکایت حداکثر ظرف مدت یک‌ماه نسبت به صدور حکم اقدام و مراتب را به گمرک یا سایر اداره‌های ذیربط اعلام نمایند.

۳. تبصره ۲- در صورت عدم رسیدگی یا تطویل دادرسی و عدم تعیین تکلیف قطعی پرونده در مدت فوق الذکر، سازمان تعزیرات حکومتی موضوع ماده واحده قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۷۳/۷/۲۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام یا سازمان جداگانه‌ای که دولت تعیین خواهد کرد با درخواست سازمان شاکی می‌تواند همان پرونده را از محاکم قضائی یا سازمان شاکی مطالبه و طبق جرائم و مجازاتهای مقرر در قوانین مربوط و این قانون اقدام نماید.

تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، شرایط نظارت قضایی را کاملاً تغییر داد. بنا بر ماده ۴۵ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز برای جلوگیری از اطاله دادرسی فرجه یک ماهه به مراجع رسیدگی کننده داده شده است.^۱ اما اکنون با استناد به این قانون، اگر پرونده در فرجه یک ماهه رسیدگی نشود، قابل رسیدگی در تعزیرات نیست و قاضی پرونده باید به مرجع مافوق گزارش دهد. موضوع دیگری که در بحث نظارت قضایی مطرح می شود، موضوع تبصره ۲ ماده ۵۰ قانون^۲ است. این تبصره دارای محاسن و معایبی است. اشکال اینجاست که تبصره مذکور، امکان نظارت قضایی بر آراء تعزیرات را از قوه قضائیه سلب نموده است. اما این تبصره از نقطه قوتی برخوردار است که مقنن را به چشم پوشی از عدم امکان نظارت قضایی ترغیب نموده و آن هم تسریع روند دادرسی پرونده های قاچاق کالا و ارز و جلوگیری از اطاله رسیدگی در دیوان عدالت اداری است.

به دلیل اینکه دستگاه قضایی درگیر جرائم متعدد و با حجم انبوهی از انواع پرونده‌ها مواجه است، قانونگذار در ماده ۴۴ بین جرم و تخلف قاچاق تفکیک قائل شده و رسیدگی به تخلفات قاچاق را که حجم بیشتری از پرونده‌ها را از حیث کمیت تشکیل می‌دهند به تعزیرات واگذار نموده است. از نکات مثبت ماده ۴۴ این است که یکی از مهمترین مأموریت‌های سازمان تعزیرات حکومتی، رسیدگی به جرائم قاچاق کالا و ارز است و می‌تواند تمرکز بیشتری بر پرونده‌های قاچاق داشته و سریعاً احکام لازم را صادر و اجرا نماید.

ماده ۴۶ قانون نیز مؤید این امر است. طبق این ماده در کلیه مواردی که سازمان تعزیرات حکومتی صالح به رسیدگی است، شعب تعزیرات حکومتی همان اختیار مراجع قضائی در رسیدگی به پرونده‌های مزبور را دارند؛ جز در مواردی که در این قانون به ضرورت اخذ دستور مقام قضائی تصریح نموده است.

در خصوص عدم بهره مندی قضات تعزیرات از مصونیت‌های قضایی، باید گفت که اگرچه که این مسئله در رسیدگی احتمالی قضات تعزیرات به قاچاق سازمان یافته موجب

۱. ماده ۴۵- هر کدام از شعب دادسرا و دادگاه انقلاب اسلامی، تعزیرات حکومتی و شعب تجدیدنظر آنها ظرف یک ماه از زمان تحویل پرونده باید رسیدگی و رأی نهائی را صادر کنند، مگر مواردی که حسب نوع جرم یا تخلف و علل دیگر، تکمیل شدن تحقیقات نیاز به زمان بیشتری داشته باشد که در این صورت حسب مورد مرجع رسیدگی کننده موظف است علت تأخیر را به صورت مکتوب به مقام مافوق گزارش دهد. عدم ارسال این گزارش موجب محکومیت انتظامی تا درجه سه می‌گردد.

۲. تبصره ۲ ماده ۵۰- آراء صادره از شعب تعزیرات حکومتی در مورد پرونده های قاچاق کالا و ارز قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضائی نیست.

بروز مشکلات عدیده ای می شود، اما در رسیدگی به تخلفات قاچاق، قانونگذار در تبصره (۱) ماده ۴۶ این مسئله مورد توجه قرار داده و سعی بر صیانت از قضات تعزیرات نموده است.^۱

در قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز، دستگاه قضایی با اعمال تجدیدنظرخواهی در دیوانعدالت اداری بر آراء تعزیرات اعمال نظارت می نمود، اما در حال حاضر طبق تبصره ۲ ماده ۵۰ قانون اخیر مبارزه با قاچاق کالا و ارز، این امکان از دستگاه قضایی سلب شده است.^۲

مسئله دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، موضوع تبصره ۲ ماده ۵۰ است. اگر چه تبصره ۲ ماده ۵۰، امکان نظارت قضایی را از دستگاه قضایی سلب نموده، اما از سوی دیگر می تواند روند دادرسی را تسریع و احکام قطعی صادره از سوی شعب تعزیرات را سریعاً معد اجرا نماید که این امر می تواند به عنوان نقطه قوت این قسمت از قانون ارزیابی شود. در سوی دیگر هم مطابق تبصره ۳ ماده ۵۰ قانون^۳ آراء صادره از شعب بدوی تعزیرات حکومتی و دادگاه انقلاب در صورتی مبنی بر برائت متهم باشد ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ و پس از درخواست دادستان یا مأمور وصول درآمدهای دولت یا ستاد و یا عنداللزوم دستگاه کاشف قابل تجدیدنظر خواهی است. تعدد مراجع دارای حق تجدید نظر در این ماده موجب ایجاد رویه های متنوع و مشتت شده که این امر مشکلاتی را برای مراجع رسیدگی کننده، دستگاه های کاشف، مأمور و وصول درآمدهای دولت و متهمان به دنبال داشته است و در جمع حق تجدیدنظر خواهی باعث اختلافاتی بین دستگاه های مذکور گردیده است. بعضاً اجرای رأی منوط به انقضای مهلت تجدیدنظر از تاریخ ابلاغ رأی برائت به هر کدام از دستگاه های دارای حق تجدیدنظر خواهی شده است که این امر

۱. تبصره ۱ ماده ۴۶- اعضای شعب ویژه رسیدگی به پرونده های قاچاق کالا و ارز سازمان تعزیرات حکومتی به جز در موارد اثبات سوءنیت یا ارتکاب اعمالی که در قانون جرم است، در رابطه با ایفای وظایف قانونی در آراء صادره تحت تعقیب قضائی قرار نمیگیرند.

۲. تبصره ۲ ماده ۵۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: آراء صادره از شعب تعزیرات حکومتی در مورد پرونده های قاچاق کالا و ارز قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضائی نیست.

۳. تبصره ۳- آراء صادره از شعب بدوی تعزیرات حکومتی و دادگاه انقلاب در صورتی که مبنی بر برائت متهم باشد ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ و پس از درخواست دادستان یا دستگاه مأمور وصول درآمدهای دولت یا ستاد و یا عنداللزوم دستگاه کاشف، قابل تجدیدنظر خواهی است. پرونده حسب مورد از سوی رئیس سازمان تعزیرات حکومتی یا رئیس کل دادگستری استان برای رسیدگی مجدد به یکی از شعب تجدیدنظر مربوطه ارجاع می شود. رأی شعبه تجدیدنظر قطعی و لازمالاجراء است.

باعث اطاله فوق‌العاده دادرسی شده است. را داریم که در بخش ضرورت‌های تحقیق هم عنوان شد که یکی ضرورت‌های این تحقیق با عنایت به اصل تفکیک قواست. در ارتباط با این موضوع، اختلاف عقیده‌ای میان قوای قضائیه و مجریه ایجاد شده است؛ در بر اساس نظر دستگاه قضا، دادستان می‌تواند در خصوص آراء صادره شعب بدوی تعزیرات و دادگاه انقلاب اسلامی در صورتی که مبنی بر برائت متهم باشد، تجدیدنظرخواهی نماید. اما نظر قوه مجریه با نمایندگی ستاد این است که، دادستان حق تجدیدنظرخواهی نسبت به آراء تعزیرات را ندارد. نظریه مشورتی شماره ۷/۹۴/۲۳۳۲ اداره کل حقوقی قوه قضائیه نیز مؤید نظر قوه مجریه است و تصریح می‌کند: حوزه اختیارات و صلاحیت دادستان مربوط به جرائم قاچاق کالا و ارز است که در صلاحیت دادگاه انقلاب است و این وظایف و اختیارات و صلاحیتها به حوزه تخلفات مربوط به قاچاق کالا و ارز که در صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی است، قابلیت تسری ندارد. بنابراین دادستان مطابق تبصره ۳ ماده ۵۰ قانون اخیرالذکر تنها حق تجدیدنظرخواهی نسبت به آراء برائت صادره از سوی دادگاه انقلاب را دارد و نه شعب تعزیرات حکومتی.^۱ بنا به تفسیر که دادستان کل کشور و رییس قوه قضائیه از ماده قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ارایه داده‌اند، دادستان کل کشور حق اعتراض به آراء صادره از سازمان تعزیرات حکومتی را خواهد داشت و موردی بوده که دستگاه قضایی بر همین مبنا اقدام کرده است.

مطابق تبصره ۳ ماده ۵۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز آراء صادره از شعب بدوی تعزیرات حکومتی و دادگاه انقلاب در صورتیکه مبنی برائت متهم باشد ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ و پس از درخواست دادستان یا مأمور وصول درآمدهای دولت یا ستاد و یا عندالزوم دستگاه کاشف قابل تجدیدنظر خواهی است. تعدد مراجع دارای حق تجدیدنظر در این ماده موجب ایجاد رویه‌های متنوع و مشتت شده که این امر مشکلاتی را برای

۱. نظریه مشورتی شماره ۷/۹۴/۲۳۳۲ اداره کل حقوقی قوه قضائیه در مورد تبصره ۳ ماده ۵۰: با توجه به ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، دادرسی در معیت دادگاه‌ها تشکیل می‌گردد و عهده دار کشف جرم و تعقیب متهم است و با توجه به مواد ۱۱ (بند ب) ۴۴ و ۶۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۰۳ که طی آن رسیدگی به جرائم مربوط به قاچاق کالا و ارز و اجرای آراء مربوطه در صلاحیت دادرسی و دادگاه انقلاب و رسیدگی به تخلفات مربوطه در صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی می‌باشد، بنا براین وظایف و حوزه اختیارات و صلاحیت دادستان مربوط به جرائم قاچاق کالا و ارز است که در صلاحیت دادگاه انقلاب است و این وظایف و اختیارات و صلاحیتها به حوزه تخلفات مربوط به قاچاق کالا و ارز که در صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی است، قابلیت تسری ندارد. بنابراین دادستان مطابق تبصره ۳ ماده ۵۰ قانون اخیرالذکر تنها حق تجدیدنظرخواهی نسبت به آراء برائت صادره از سوی دادگاه انقلاب را دارد و نه شعب تعزیرات حکومتی.

مراجع رسیدگی کننده، دستگاه‌های کاشف، مأمور و وصول درآمدهای دولت و متهمان به دنبال داشته است و در جمع حق تجدیدنظر خواهی باعث اختلافاتی بین دستگاه‌های مذکور گردیده است. بعضاً اجرای رأی منوط به انقضای مهلت تجدیدنظر از تاریخ ابلاغ رأی برائت به هر کدام از دستگاه‌های دارای حق تجدیدنظر خواهی شده است که این امر باعث اطاله فوق‌العاده دادرسی شده است. به دلیل تعدد مراجع دارای حق تجدیدنظر، مراجع رسیدگی کننده، متهم را موظف به اخذ نظر کتبی دستگاه‌های موضوع این ماده پیرامون عدم اعمال حق تجدیدنظر نموده، متهم با مراجعه به این دستگاه‌ها عملاً با عدم همکاری مواجه شده که این امر مشکلات متعددی را ایجاد نموده است. عدم وجود تاریخ واحد ابلاغ توسط مراجع رسیدگی کننده عملاً موجب می‌شود مهلت ۲۰ روزه تجدیدنظر خواهی از تاریخ آخرین ابلاغ محاسبه که این موضوع سبب اطاله فوق‌العاده دادرسی می‌شود.

فصل سوم - حدود صلاحیت‌ها

صلاحیت مرجع رسیدگی کننده در بحث جرم و تخلف بین مراجع قضایی، شبه قضایی و اداری توزیع می‌شود. آنچه در این باب اهمیت دارد، تعیین چاقوب‌های صحیح و منطبق با شرع مقدس، قانون اساسی و قواعد حقوقی است. در صورتی که حدود اختیارات و صلاحیت‌ها به درستی توزیع نشود، مشکلات عدیده‌ای در رسیدگی‌ها ایجاد خواهد شد که حسب ظاهر در قانون قاچاق کالا و ارز تا حدودی با این مشکلات مواجه هستیم. به عنوان مثال قضات دادگاه انقلاب اسلامی که صلاحیت ذاتی رسیدگی به جرم قاچاق را دارند و سایر قضات دادگستری که دارای ابلاغ ویژه رسیدگی به پرونده های قاچاق کالا و ارز از طرف رئیس قوه قضائیه هستند، هم اکنون با نوعی سرخوردگی در این خصوص مواجه شده‌اند که به عنوان مثال؛ در حالی باید به قاچاق پرونده یک بطری مشروب الکلی یا یگک دستگاه رسیور در شعب خود رسیدگی کنند و وقت دستگاه قضایی را صرف این گونه امور نمایند که کارمند تعزیرات به پرونده قاچاق چند میلیارد تومانی رسیدگی کرده و با مشکلات متعددی هم مواجه می‌شود.

گفتار اول - صلاحیت‌های شکلی و کلی سازمان تعزیرات حکومتی و اصل تفکیک قوا

در سال‌های آغازین جنگ تحمیلی به لحاظ شرایط بحرانی حاکم بر اقتصاد کشور تعزیرات حکومتی با اجازه حضرت امام خمینی(ره) شکل گرفت تا اینکه در سال ۱۳۷۳ با تصویب قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام سازمان تعزیرات حکومتی به شکل امروزی براساس مصلحت تاسیس گردید پس از تشکیل این سازمان رسیدگی به بسیاری از جرائم اقتصادی به عهده این سازمان محول شد. در طول این سال‌ها، تعزیرات با چالش‌های مختلفی از سوی منتقدین خود همراه بوده است تا اینکه تصویب قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴ و سکوت تشخیص مجمع مصلحت نظام در مقابل مجلس شورای اسلامی مبنی بر انتزاع صلاحیت رسیدگی به جرائم مربوط به بخش خصوصی (اصناف) از سازمان تعزیرات حکومتی، سازمان مزبور را با چالش جدی مواجه کرد اما دیری نپایید که ناکارآمدی هیات‌های رسیدگی‌کننده به تخلفات صنفی باعث تجدیدنظر مسؤولان در احیاء مجدد صلاحیت‌های سازمان شد. بررسی فرایند دادرسی در قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ و قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام نشان می‌دهد خلاهای جدی در امر رسیدگی به این دسته از جرائم در قلمرو سازمان تعزیرات حکومتی وجود دارد از سوی دیگر صلاحیت ثانویه سازمان تعزیرات حکومتی و رسیدگی به جرائم راجع به قاچاق کالا و ارز به استناد قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴/۲/۱۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام به این سازمان جایگاه حقوقی بخشیده است. از سوی دیگر این سازمان بنابه برخی دلایل من جمله این که به‌عنوان نهادی ۱. در بدنه قوه مجریه به برخی تخلفات و جرائم رسیدگی می‌کند؛ ۲. زاییده کار مجلس شورات اسلامی نبوده بلکه تأسیس خود را از مجمع تشخیص مصلحت نظام گرفته؛ ۳. عدم بهره‌مندی از آیین رسیدگی ویژه؛ ۴. ورود قانونی و رسیدگی قانونی به برخی از تخلفات و جرائمی که به موجب قوانین موازی در صلاحیت محاکم عمومی و انقلاب قرار دارد کار این سازمان را با چالشی مواجه کرده بعنوان مثال محاکم عمومی تخلفات بهداشت محیط اصناف را وفق قانون مجازات اسلامی رسیدگی می‌کنند شعب تعزیرات حکومتی نیز همچنین تخلف را

وفق ماده ۳۹ قانون تعزیرات حکومتی و مواد ۱۷ و ۶۸ قانون نظامی صنفی مصوب ۲۴ و ۱۲ و ۸۲ رسیدگی می کنند. با این وجود به نظر می رسد آن چه مصنف را جهت تأسیس و واگذاری برخی از تخلفات و جرایم به این سازمان متعاقد کرد لزوم نظارت دولت بر قیمت کالا و خدمات و فعالیت فعالان اقتصادی، یاری کردن محاکم عمومی و انقلاب جهت پرداختن به امور مهم تر جلوگیری از سرخوردگی مردم و مصرف کنندگان جهت پیگیری تخلفات و جلوگیری از ورود آنان و به وادی پر پیچ و خم فرابند طولانی رسیدگی محاکم جمع زدایی، فسادزایی و پرهیز از جرم افکاری و جلوگیری از تشکیل سوابق سوء پیشینه کیفری که منجر به محدودیت به برخی از حقوق و فعالیت های اجتماعی و ده ها دلیل دیگر که اقتضائات مدرن جامعه امروزی فی الحال و آینده آن را ایجاب می نماید باشد. مضافا اینکه افزایش روزافزون مقوله تورم و گرانی و همچنین دامن زدن برخی افراد تحت عنوان گرانفروشی به این مقولات واتخاذ سیاستهای جدید از قبیل کاهش تصدی گری دولت، و نیاز به تشدید بعد نظارت، و همچنین جلب سرمایه گذاری ای خارجی و ضرورت ایجاد امنیت برای سرمایه گذاری با استفاده از ظرفیتهای سازمان تعزیرات حکومتی (قوه مجریه) همگی حاکی از ضرورت وجود این سازمان در کنار محاکم عمومی و انقلاب باشد. اما همانطور که قبلا هم تاکید شد، موضوع قاچاق سازمان یافته و حرفه ای بحث مجزایی است. البته مبارزه با قاچاق کالا و ارز در سطح عرضه به طور قطع و یقین می تواند از صلاحیت های تعزیرات باشد. اما به نظر نگارنده رسیدگی به قاچاق پیش از مبادی ورودی و قبل از رسیدن کالا به سطح عرضه، به غیر از قاچاق خرد در توان تعزیرات نیست.

گفتار دوم - صلاحیت های شکلی سازمان تعزیرات حکومتی در جرائم قاچاق کالا و ارز

همانطور که در قانون تصریح شده دو مرجع رسیدگی به پرونده های قاچاق کالا و ارز وجود دارد؛ دستگاه قضایی (دادسرا و دادگاه انقلاب اسلامی) و سازمان تعزیرات حکومتی. در ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز بین جرم و تخلف تفکیک قائل شده است. طبق این ماده؛ رسیدگی به جرائم قاچاق کالا و ارز سازمان یافته، حرفه ای، قاچاق کالاهای ممنوع و قاچاق کالا و ارز مستلزم حبس و انفصال از خدمات دولتی در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است. سایر پرونده ها تخلف محسوب و رسیدگی به آن در صلاحیت

تعزیرات است. تکلیف پرونده های موضوع کالای ممنوعه که روشن است. مسئله مورد بحث در این تحقیق، پرونده های قاچاق مستلزم حبس یا انفصال از خدمات دولتی، حرفه ای و به ویژه قاچاق سازمان یافته است؛ چرا که این موارد باید ابتدا احراز و بعد در دادسرا و دادگاه انقلاب مورد رسیدگی قرار گیرد.

مبارزه با مفاسد اقتصادی و قاچاق کالا و ارز به عنوان یکی از مصادیق این مفاسد از جمله وظایف قوه قضائیه است که با حفظ استقلال خود باید به این مفاسد رسیدگی نماید. صرفنظر از اشکالات موجود در مبارزه با مفاسد اقتصادی و قاچاق کالا و ارز، اخیراً دستگاه قضایی با تشکیل شعب ویژه رسیدگی به پرونده های مفاسد اقتصادی گام بسیار بلندی در این راستا برداشته است. به طور کلی وظیفه ذاتی دستگاه قضایی رسیدگی به جرائم و تخلفات است و اگر دستگاه اجرایی بخواهد ورودی هر چند منطبق با اصول حقوق عمومی به این حیطة داشته باشد، نیازمند بحث و بررسی است. سازمان تعزیرات که مرجع اداری و اجرایی است بنا بر ضرورتها و از باب مساعدت به حیطة اختیارات دستگاه قضایی در حوزه قاچاق کالا و ارز که از مصادیق مفاسد اقتصادی است ورود نموده؛ فلذا ضرورت دارد تا نگاهی بسیار اجمالی به نقش این سازمان در امور اقتصادی و نحوه برخورد با مفاسد اقتصادی در کشور در سالهای اخیر داشته باشیم.

تعزیرات حکومتی به عنوان یک مرجع اختصاصی رسیدگی به تخلفات اقتصادی، صنفی و بهداشتی در مفهوم عام پدیده ای تازه و بدیع نبوده و از صدر اسلام تا کنون تحت عناوین و تعابیر مختلف در حکومت های اسلامی وجود داشته و در سایر نظام های حقوقی شناخته شده دنیا نیز متناسب با تشکیلات قضایی و اجرایی جایگاه خاصی داشته و دارد.

در کشور جمهوری اسلامی ایران نیز بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و تقریباً از آغاز جنگ تحمیلی بحث تعزیرات حکومتی به معنی اخص کلمه برای جلوگیری از وقوع تخلفات عدیده ای که در زمینه مسایل اقتصادی اعم از کم فروشی، گرانفروشی، احتکار و غیره که با توجه به وضعیت بحرانی کشور در آن زمان به وقوع می پیوست پایه ریزی شد. بر همین اساس در ابتدای سال ۱۳۶۲ بنا به درخواست نخست وزیر وقت از محضر حضرت امام خمینی (ره) در خصوص اجازه قیمت گذاری کالاها از طرف دولت و نیز مبارزه با گرانفروشی و احتکار در آن زمان توسط دولت کسب تکلیف گردید که با توجه به مصالح کشور و مردم و شرایط آن زمان، مجوز لازم توسط ایشان به دولت داده

شد. در همین راستا کمیسیون هایی تحت نظارت وزارت کشور به نام کمیسیون های امور تعزیرات حکومتی تشکیل و به کلیه تخلفاتی که به نحوی جنبه اقتصادی داشت رسیدگی می نمود.

پس از پایان جنگ تحمیلی حضرت امام (ره) طی نامه ای حق تعزیرات حکومتی را از دولت سلب و مجمع تشخیص مصلحت نظام را مامور به تصمیم گیری در این زمینه نمودند که مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز در مورخ ۲۳/۱۲/۶۷ با تصویب دو قانون تحت عناوین قانون تعزیرات حکومتی و قانون تعزیرات حکومتی در امور بهداشتی و درمانی، رسیدگی به تخلفات بخش غیر دولتی را به محاکم انقلاب اسلامی و رسیدگی به تخلفات بخش دولتی را به کمیسیون ای تحت نظارت وزارت کشور محول نمود که این امر تا اواسط سال ۱۳۷۳ ادامه یافت؛ در مورخ ۱۹/۷/۷۳ به لحاظ ضرورت کنترل دولت بر امور اقتصادی و لزوم هماهنگی فی مابین مراجع قیمت گذاری و توزیع کالا و خدمات و اجرای مقررات و ضوابط مربوط به آن، با تصویب ماده واحده قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۹/۷/۷۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام، کلیه امور تعزیرات حکومتی بخش دولتی و غیر دولتی، اعم از بازرسی و نظارت، رسیدگی و صدور حکم قطعی و اجرای آن را به دولت (قوه مجریه) محول نمود تا بر اساس قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۲۳/۱۱/۶۷ اقدام نمایند که این امر حال حاضر هم ادامه دارد.

همچنین به منظور مبارزه با پدیده شوم قاچاق، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مورخ ۱۲/۰۹/۹۲ توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید که براساس این قانون، بخش اعظمی از مبارزه با قاچاق کالا و ارز پس از کشف توسط دستگاه های کاشف، به این سازمان محول شد که انجام این تکلیف همچنان بر عهده این سازمان است.

گفتار سوم - صلاحیت تعزیرات در ماده ۲۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز

ماده ۲۱ قانون تعیین کننده حداقل ارزش مورد نیاز کالای مکشوفه برای تشکیل در تعزیرات است. بسیاری معتقدند مبلغ ده میلیون ریال مقرر در این ماده جهت ضبط کالای قاچاق مکشوفه بسیار نازل بوده و این امر منجر به تشکیل حجم انبوهی از پرونده های قاچاق کمتر از ده میلیون ریال نزد شعب سازمان تعزیرات حکومتی گردیده است. ارزش

اعلامی در ماده مذکور با اقتباس از قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۴ تعیین گردیده در حالی که موضوع ناظر به شرایط اقتصادی قریب به ۲۰ سال گذشته بوده لذا با در نظر داشتن تورم ایجاد شده و محاسبه آن و برای پرهیز از صرف انرژی جهت مبارزه با قاچاق خرد به جای قاچاق کلان ضروری است عدد منظور اصلاح گردد؛ چرا که وقتی ارزش پرونده ای از یک میلیارد یا در فرض خوشبینانه تر از ده میلیارد تومان تجاوز می‌کند، به نظر نگارنده احتمال سازمان یافته بودن نزدیک به یقین می‌شود و باید تلاش‌های لازم به منظور اثبات عادلانه آن صورت پذیرد. بنابراین بسیار ضروری به نظر می‌رسد که مبلغ مزبور از ده میلیون ریال بیشتر شود که در پایان متن تحقیق پیشنهاد لازم بدین منظور ارائه خواهد شد.

گفتار چهارم - صلاحیت‌های ماهوی سازمان تعزیرات حکومتی و قوه قضائیه در جرائم قاچاق کالا و ارز

نکته مهمی که باید مد نظر قرار گیرد این است که تبلور کلیه اقدامات مقابله‌ای در اجرای قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، اعم از کشف، عقیب و تحقیق که نیازمند هزینه‌های بسیاری مادی و معنوی می‌باشد؛ همانا دادرسی صحیح و سریع به این پرونده‌هاست.

در حال حاضر طبق قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، دو مرجع رسیدگی به پرونده‌های قاچاق وجود دارد که اولی دستگاه قضایی و دیگری سازمان تعزیرات حکومتی است. ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز علاوه بر تقسیم بندی جرم تخلف، وضعیت صلاحیت‌ها را مشخص کرده است. رسیدگی به پرونده‌های قاچاق سازمان یافته، حرفه‌ای، مستازم حبس و انفصال از خدمات دولتی و همچنین کالاهای ممنوعه در صلاحیت دستگاه قضا (دادسرا و دادگاه انقلاب اسلامی) و رسیدگی به سایر پرونده‌ها در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است. نکته بسیار مهمی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که؛ اگر سازمان یافتگی پرونده‌ای قاچاق با ارزش چند میلیارد تومانی، احراز نشود، باید توسط سازمان تعزیرات رسیدگی شود. با مشغله بسیار زیاد و تعدد ماموریت‌های دستگاه‌های کاشف که نقش اصلی در احراز سازمان یافتگی پرونده‌ها را دارند، احراز سازمان یافتگی، نیازمند تحقیقات وسیع و زمان بری است که غالباً از توان دستگاه‌های کاشف و مراجع

رسیدگی خارج است.

احراز حرفه‌ای بودن مجرم نیز، باید از طریق پایگاه‌های اطلاعاتی درج سوابق قاچاقچیان کالا است که با توجه به وجود دو مرجع رسیدگی و نبودن زیرساختهای لازم، ایجاد و بروز رسانی این پایگاه‌ها، دارای موانع و مشکلات متعددی است. در راستای احراز حرفه‌ای بودن با توجه به وجود دو مرجع صالحه برای رسیدگی به پرونده های قاچاق کالا و ارز باید اطلاعات محکومان این دو مرجع در ی بانک اطلاعاتی جمع شود. مسئله ای که در این مورد ایجاد می‌شود، تعریف قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز از قاچاقچی حرفه‌ای است؛ مطابق بند (ش) ماده (۱) قانون یاد شده، قاچاقچی حرفه‌ای: شخصی است که بیش از سه بار مرتکب قاچاق شود و ارزش کالا یا ارز قاچاق در هر مرتبه بیش از ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال باشد. دو نکته مهم در این تعریف باید مورد توجه قرار گیرد. اولاً در تعریف به جرم قاچاق اشاره نشده و لازم نیست که قاچاقچی حرفه‌ای مرتکب جرم قاچاق شود بلکه اشاره به فعل قاچاق هم می‌تواند جرم و هم تخلف را در بر گیرد. نکته مهم تر این است که اگر کاب جرم مد نظر قانونگذار قرار گرفته و نه محکومیت. بنابراین ضابطین و مراجع رسیدگی کننده باید توجه داشته باشند که هر فردی بیش از سه بار مرتکب فعل قاچاق شده باشد حتی اگر محکومیت هم نداشته باشد، قاچاقچی حرفه‌ای است. با ذکر این مطلب ضرورت دیگری نیز ایجاد می‌شود و آن هم درسی ضابطین به بانکهای اطلاعاتی قاچاق کالا و ارز است که این امر نیاز به اصلاح آیین نامه ماده ۷۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز دارد.

بنابر دلایل مذکور، هم اکنون سازمان تعزیرات حکومتی به عنوان یک مرجع اداری (ذیل قوه مجریه) در حال رسیدگی به جرائم سازمان یافته و حرفه‌ای قاچاق کالا و ارز است که این معضل، هم مغایر قانون مرتبط و هم مغایر با اصل تفکیک قواست؛ به عبارتی دخالت دستگاه اجرایی در امر قضاست.

در مقابله با کلیه جرائم و تخلفات همچنین قاچاق کالا و ارز، تبلور تمامی بخش‌های مبارزه همانا رسیدگی سریع و قاطع به پرونده‌های متشکله در این خصوص است؛ اما حجم بالای پرونده‌های متشکله قاچاق و پیچیدگی و سازمان یافتگی آنها، این سرعت و قاطعیت را تا حدود بسیاری کاسته و نتیجتاً، همه تلاشهای انجام شده بی‌اثر می‌ماند. بنابراین باید به گونه ای برنامه ریزی داشته باشیم که بتوانیم؛ اولاً این حجم بالای پرونده های قاچاق را

به درستی مدیریت کنیم، ثانیاً در میان این حجم بالای پرونده‌های تشکیل شده، از توجه به پرونده‌های مهم و سازمان یافته غافل نشویم. اهمیت موضوع را زمانی بیشتر متوجه می‌شویم که بدانیم حجم بالایی قاچاق کالا و ارز در کشور (نزدیک به ۷۰ درصد)، به صورت سازمان یافته انجام می‌شود. ضمن این که متخلفان و قاچاقچیان سازمان یافته همواره در تلاشند که در صورت کشف جرائم و تخلفاتشان، پرونده‌ای برایشان تشکیل نشود و اگر هم با پرونده‌ای مواجه شدند، آن را در مقاطع مختلف رسیدگی از مسیر منحرف نمایند. تمامی این موارد این امر را مسلم می‌سازد که باید برای قاچاق سازمان یافته برنامه ریزی خاصی را داشته باشیم تا ضمن کشف این جرائم، با قاطعیت هرچه به آنها رسیدگی کنیم. ضمن امکان انحراف پرونده‌های قاچاق سازمان یافته و حرفه‌ای به سمت تعزیرات، در ماده ۱۸ قانون نیز که جزای نقدی کالاهای مجاز، مجاز مشروط و یارانه‌ای مقرر شده؛ به نظر نگارنده بر صلاحیت‌های بی حد و مرز تعزیرات صحه گذارده است.

با توجه به موارد معنونه، حدود صلاحیت‌های سازمان تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق را می‌توان در موارد ذیل‌الذکر برشمرد:

۱. فعل ارتكابی فاقد مجازات حبس باشد.
۲. فعل ارتكابی فاقد مجازات انفصال از خدمات دولتی باشد.
۳. مجازات مالی آن جریمه نقدی باشد نه جزای نقدی.
۴. مرتکب قاچاقچی حرفه‌ای نباشد.
۵. مرتکب از اعضاء گروه سازمان یافته برای ارتكاب جرم یا بعداً تغییر هدف به سمت آن داده نباشد.
۶. مرتکب مامور دولت نباشد.
۷. موضوع قاچاق کالای مجاز، مشروط مجاز، یارانه‌ای و ارز (ماده ۱۸ قانون) باشد.

اگر چه موضوع بحث در این تحقیق، جایگاه و نقش سازمان تعزیرات حکومتی در رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز است، اما پس از احصاء صلاحیت‌های سازمان تعزیرات حکومتی در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ضرورت دارد صلاحیت‌های قوه قضائیه را به عنوان متولی کشف و تعقیب و رسیدگی به جرائم طبق قانون اساسی حداقل به صورت فهرست وار برشمرد تا خوانندگان محترم مقایسه‌ی واقعی را بین دو مرجع صالحه در ذهن خود ترسیم نمایند.

حدود صلاحیت دستگاه قضایی با نمایندگی دادسرا و دادگاه انقلاب اسلامی را عبارت است از :

۱. جرایم قاچاق کالا و ارز سازمان یافته و حرفه ای، خواه موضوع قاچاق مشمول ماده ۱۸ باشد یا ماده ۲۲ یا غیر
۲. قاچاق کالاهای ممنوع (ماده ۲۲ و تبصره ها و سایر قوانینی که ورود یا صدور کالایی را ممنوع کرده باشند)
۳. قاچاق هر نوع کالا و ارزی که مشمول مجازات حبس و یا انفصال از خدمات دولتی باشد.
۴. مجازات مالی جزای نقدی.
۵. ضبط وجوه حاصله از قاچاق کالای ممنوع.
۶. ضبط آلات و ادواتی که جهت ساخت کالای ممنوع به منظور قاچاق یا تسهیل ارتکاب قاچاق کالای ممنوع مورد استفاده قرار می گیرد.
۷. منصرف از تخلفات و مصادیق و تعریف بعمل آمده آن، سایر جرایم در حوزه و قلمرو و جرم قاچاق کالا و ارز اعم از اینکه مشمول ماده ۱۸ باشند یا ۲۲ ولی به طریق سازمان یافته و یا توسط قاچاقچی حرفه ای محقق شده باشد.

فصل چهارم - جمع بندی و ارائه پیشنهادات

قاچاق مانند سایر جرائم، پدیده‌ای سیال و تغیر در بستر جامعه است و قاچاقچیان با سوء استفاده از خلاءهای قوانین و مقررات و پیچیدگی‌های موجود، مسیر فعالیت‌های مجرمانه خود را به گونه‌ای سوق می‌دهند که از اعمال نظارت‌ها دور مانده و ارتکاب قاچاق سود بالاتری را برای آنان فراهم کند.

امروز قاچاق سازمان یافته با رویکرد سوء استفاده از رانت منابع و اطلاعات در جهت دستیابی به منابع کلان اقتصادی صورت می‌گیرد. از این رو قاچاق کالا هم می‌تواند به عنوان یک جرم سازمان یافته مستقل تعریف شود و هم به عنوان جرمی منابع مالی اقدامات مجرمانه سنگین تری را تأمین می‌کند مانند تأمین مالی تروریسم که این موضوع در قوانین و مقررات فعلی کاملاً مسکوت است.

در بسیاری از پرونده‌های قاچاق که به صورت باندى ارتکاب می‌یابد، یک گروه سازمان‌یافته با نفوذ در برخی ادارات دولتی و پرداخت رشوه یا تطمیع، اقدام به قاچاق کالا به نحو کلان می‌نماید و معمولاً این گروه‌های سازمان‌یافته در اولین ارتکاب قاچاق کشف نمی‌شوند و در طول زمان شروع فعالیت مجرمانه تا شناسایی و کشف توسط مسئولین ذیربط، مقادیر زیادی کالا به نحو غیر قانونی وارد کشور شده و اثرات مخرب خود را بر جای گذاشته است. بنابراین ضرورت دارد قوانین و مقررات روزآمد شود تا از شگردهای جدید مجرمانه باز نماییم.

همان گونه توضیح داده شد پرونده های قاچاق کالا و ارز سازمان یافته و حرفه‌ای با آن مواجه هستند این است که؛ قضات سازمان تعزیرات، کارمندان دولت هستند و حتی در برخی موارد کارمندان پیمانی تعزیرات بوده و مصونیت‌های قضات قوه قضائیه ندارند. قضات تعزیرات با چنین وضعیتی باید به پرونده‌های چند میلیاردی‌ای رسیدگی کنند که متهمان آنها ممکن است هرگونه فشاری را بر آنها اعمال تا پرونده را از مسیر صحیح رسیدگی منحرف کنند. در چنین وضعیتی که قضات حتی گاهی از مصونیت‌های شغلی لازم نیز برخوردار نیستند؛ به دلیل عدم احراز قاچاق حرفه‌ای و سازمان یافته، ممکن است با این نوع پرونده ها هم مواجه شوند. البته این مسئله به نوعی در مواد ۴۶ و ۴۹ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز لحاظ شده است، اما تدابیر قانونگذار از قضات تعزیرات در رسیدگی به تخلفات صیانت می‌کند، نه در رسیدگی به جرائم^۱.

از سوی دیگر در بسیاری موارد، قاچاق سازمان یافته و حرفه‌ای، بازوی اقتصادی

۱. ماده ۴۶- در کلیه مواردی که سازمان تعزیرات حکومتی صالح به رسیدگی است شعب تعزیرات حکومتی همان اختیار مراجع قضائی در رسیدگی به پرونده‌های مزبور را دارند جز در مواردی که در این قانون به ضرورت اخذ دستور مقام قضائی تصریح شده است. تبصره ۱- اعضای شعب ویژه رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز سازمان تعزیرات حکومتی به جز در موارد اثبات سوءنیت یا ارتکاب اعمالی که در قانون جرم است، در رابطه با ایفای وظایف قانونی در آراء صادره تحت تعقیب قضائی قرار نمیگیرند. تبصره ۲- به کلیه اتهامات رؤسا و اعضای شعب سازمان تعزیرات حکومتی که در مقام رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز مرتکب میشوند در دادسرا و دادگاههای مرکز رسیدگی می‌شود.

ماده ۴۹- به منظور اعمال نظارت قضائی بر پرونده‌های قاچاق در سازمان تعزیرات حکومتی، رئیس شعب تجدیدنظر ویژه رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز به پیشنهاد رئیس سازمان پس از تأیید وزیر دادگستری از بین قضات دارای پایه سه قضائی پس از موافقت رئیس قوه قضائیه با ابلاغ ایشان منصوب می‌شوند. تبصره- در مواردی که از شعب ویژه تجدیدنظر تعزیرات در موارد مشابه احکام مختلفی صادر شود با درخواست رئیس سازمان یا وزیر دادگستری، موارد جهت ایجاد وحدت رویه به هیأت عمومی دیوان عالی کشور ارسال می‌گردد.

تروریسم و گروه ای معاند محسوب می‌شود که در این موارد با توجه به ماده ۳۱ قانون، مرتکب علاوه بر مجازات‌های مقرر در این قانون حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم می‌گردد.^۱

قطعاً رسیدگی به جرائم موضوع ماده ۳۱ نیز در صلاحیت دستگاه قضایی است. حال اگر سازمان یافتگی جرم قاچاق بنا به دلایل یادشده احراز نشود، امکان کشف ارتباط میان این گروه‌ها با قاچاق سازمان یافته تا حد چشمگیری کاهش می‌یابد.

همچنین در خصوص تبصره ۳ ماده ۵۰ قانون (موضوع تجدیدنظرخواهی از آراء براءت) و اختلاف نظر قوای مجریه و قضائیه که در بخش نظارت قضایی توضیحات لازم در این رابطه ارائه شد؛ به دلیل تعدد مراجع دارای حق تجدیدنظر، مراجع رسیدگی کننده، متهم را موظف به اخذ نظر کتبی دستگاه‌های موضوع این ماده پیرامون عدم اعمال حق تجدیدنظر نموده، متهم با مراجعه به این دستگاه‌ها عملاً با عدم همکاری مواجه شده که این امر مشکلات متعددی را ایجاد نموده است. عدم وجود تاریخ واحد ابلاغ توسط مراجع رسیدگی کننده موجب شده مهلت ۲۰ روزه تجدیدنظرخواهی از تاریخ آخرین ابلاغ محاسبه که این موضوع سبب اطاله فوق العاده دادرسی می‌شود. با عنایت به این ثله که توضیحات کاملتر در بخش تجدیدنظرخواهی از آراء مستلزم براءت عنوان شد، به منظور رفع ایرادات واقع شده می‌توانیم حق تجدیدنظر از آراء متضمن براءت منحصراً به دستگاه کاشف و در پرونده‌های کلان یا سازمان یافته به ستاد واگذار کنیم.

۱. ماده ۳۱- در صورتی که احراز شود مرتکب جرائم قاچاق کالا و ارز با علم و عمد، عواید و سود حاصل از این جرائم را به نحو مستقیم یا غیرمستقیم برای تأمین مالی تروریسم و اقدام علیه امنیت ملی و تقویت گروه‌های معاند با نظام اختصاص داده یا هزینه نموده است، علاوه بر مجازات‌های مقرر در این قانون حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم می‌گردد.

منابع:

- فرمان مقام معظم رهبری خطاب به رئیس جمهور وقت راجع به قاچاق کالا و ارز مورخ ۱۳۸۱/۰۴/۱۲
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸ با اصلاحات ۱۳۶۸
- قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با الحاقات و اصلاحات بعدی، مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۰۳
- قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع با قاچاق کالا و ارز، مصوب ۱۳۷۴/۰۲/۱۲
- نوری یوشانلوئی، جعفر، مجموعه قوانین و مقررات مربوط به جرائم قاچاق کالا و ارز، میزان، ۱۳۸۲
- شاه حیدری پور، محمدعلی، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با الحاقات و اصلاحات بعدی، مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۰۳ و نظریه‌های مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۹۵
- هاشمی، سیدمحمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، شابک، چاپ دهم، ۱۳۸۴
- قاضی، ابوالفضل، بایسته های حقوق اساسی، تهران، نشر میزان، چاپ بیستم، ۱۳۸۴
- فطبی، میلاد، حبیب زاده، توکل، تحلیل جایگاه نهادهای اجرایی فراقوه ای مصوب مجلس در نظام جمهوری اسلامی ایران و چارچوب اصل استقلال قوا، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴
- صباغیان، علی، تفکیک قوا چیست؟، روزنامه همشهری، چهارشنبه ۳۰ خرداد ۱۳۸۶
- موارد و مبانی تداخل صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی با محاکم عمومی و انقلاب، صالحی، غلامرضا، دانشگاه شیراز، استاد راهنما: مردان، نادر، ۱۳۹۱
- پایگاه اطلاع رسانی سازمان تعزیرات حکومتی، www.tazirat.gov.ir
- خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، www.isna.ir